

روابط زناشویی از منظر زنان متأهل طبقه متوسط شهر تهران در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۶

عاطفه آقایی*، محمدتقی کریمی قه‌می**

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۰۹ تاریخ بازنگری: ۹۸/۰۳/۰۷ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۰۸

چکیده

فهم رابطه جنسی در این دوره تاریخی جز با تأمل در تاریخ شکل‌گیری جامعه مدرن و تغییر مفهوم عشق، رابطه و صمیمیت امکان‌پذیر نیست. این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که زنان طبقه متوسط شهر تهران، به‌مثابه زنانی مدرن چه فهمی از روابط جنسی خود با همسرانشان دارند و آن را چطور معنا می‌کنند؟ در این مقاله از مفاهیم «رابطه ناب» گیدنز و «عشق سیال» باومن یاری گرفتیم و درنهایت برای تبیین مسأله تحقیق در سطح کلان به تاریخ سکسوالیته از منظر فوکو تکیه کردیم. همچنین برای پاسخ به سؤال تحقیق از روش پدیدارشناسی استفاده کرده و با ۲۸ نفر از زنان طبقه متوسط شهر تهران در سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۶ مصاحبه عمیق انجام دادیم. یافته‌ها نشان داد مشارکت‌کنندگان روابط جنسی با همسرشان را تحت مقوله‌های «وظایف زن»، «معامله با همسر»، «کنترل همسر»، «تضمین زندگی زناشویی» و «لذت دوجانبه» معنا کرده‌اند و موانع تحقق آن را «کم‌توانی جنسی مردان»، «ناآگاهی همسران از رابطه جنسی مناسب»، «سرخوردگی به دلیل ازدواج زودهنگام»، «عدم برقراری رابطه کلامی» و «روابط فرازناشویی مرد» می‌دانند. سازو کارهای جبرانی زنان شامل «جبران مالی»، «روابط فرازناشویی» و «جایگزینی روابط عاطفی با دوستان» بوده است.

واژگان کلیدی: روابط جنسی، فهم زنان، رابطه ناب، عشق سیال، صورت‌بندی گفتمانی.

طرح مسأله

یکی از تمایلاتی مشترک در بین تمام موجودات عالم، میل جنسی است؛ با این تفاوت که در بین انسان‌ها چگونگی بروز آن به عوامل اجتماعی و فرهنگی بستگی دارد. سکسوالیته به‌عنوان امری اجتماعی، موضوعی است که در دوره‌های مختلف تاریخی با اشکال یا صورت‌بندی‌های گفتمانی متفاوت ظهور یافته که هرکدام معناهایی یکسر مختلفی را از «رابطه جنسی» بر ساخت می‌کنند. امروزه با تغییرات اجتماعی دوره مدرن فهم افراد جامعه از رابطه جنسی نیز دچار تحول شده است. در این دوره فهم رابطه جنسی تنها با تأمل در مسائل جامعه مدرن، تغییر مفهوم عشق و رابطه امکان‌پذیر می‌شود؛ چراکه با تغییر صورت‌بندی‌های گفتمانی، سوژه‌ها «خود» و «رابطه»‌شان با دیگری را در فضای گفتمانی جدید تعریف و بازتعریف می‌کنند.

یکی از صورت‌بندی‌های گفتمانی رابطه جنسی، ازدواج و تشکیل خانواده است که این صورت‌بندی شامل عناصری چون «رفع نیازهای جنسی، عشق، امنیت اقتصادی، محافظت، امنیت عاطفی، احساس آرامش و فرار از تنهایی» (Janetius, 2004) است؛ اما ازدواج در جامعه مدرن، پدیده‌ای پیچیده است. باومن^۱ (2005) معتقد است هیچ اتحاد جسمانی نمی‌تواند از قاب‌بندی اجتماعی بگریزد و تمام ارتباطات خود با دیگر جنبه‌های هستی اجتماعی را قطع کند. هم رابطه جنسی و هم جنسیت اموری کاملاً فرهنگی بوده و بنابراین تغییرپذیر، موقت و قابل‌واژگونی هستند.

جامعه ایران نیز با تغییرات فراوانی از جمله افزایش شهرنشینی و مهاجرت به شهرها، شکل‌گیری بوروکراسی و نظام‌های تخصصی، نهادهای آموزشی، گسترش وسایل ارتباط جمعی و تکنولوژی‌های ارتباطی، افزایش تحصیلات به‌خصوص در میان زنان و مشارکت بیشتر آنان در سپهر اجتماعی (Heshmati, 2003)، آمار چهار به یک طلاق در برابر آمار ازدواج‌های انجام‌شده، افزایش سن ازدواج (Ghavidel, 1382)، به نقل از Madani, 2016)، ابتلای ۳۴ درصد از زنان به اچ. آی. وی، کاهش سن ابتلا، تغییر راه انتقال از تزریق به سمت روابط جنسی و شیوع بیماری‌های مقاربتی (Iran National Center of Prevention AIDS, 2015)، کاهش سن روسپیگری به ۱۵ سال (Islamic Parliament Research Center, 2014) و افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج (Khalajabadi and Farahani, 2010) مواجه است. به سبب همین تغییرات وضعیت روابط جنسی در ایران با

1. Bauman

بحران روبرو است. به طوری که لاهیجانیان (2017) با اشاره به وجود بحران جنسی در ایران ویژگی‌های آن را ازدواج سفید، عدم تمایل زوجین به فرزندآوری یا تک‌فرزندی، سقط‌جنین، روابط فرزندناشویی، تمایل ارتباط با حیوانات، هم‌جنس‌گرایی و تمایل به انواع جراحی‌های پلاستیک می‌داند. از این رو مطالعه روابط جنسی به خصوص از منظر زنان در صورت‌بندی تشکیل خانواده و فهم آنان از این رابطه اهمیت دارد؛ بنابراین در این مقاله قصد داریم به این سؤال پاسخ دهیم که زنان طبقه متوسط شهر تهران چه فهمی از روابط جنسی خود با همسرانشان دارند و آن را چطور معنا می‌کنند؟

پیشینه پژوهش

عملکرد جنسی رضایت‌بخش می‌تواند در به دست آوردن یک ارتباط پایدار نقش مهمی داشته باشد. نیکولز^۱ (2005) تکالیفی را برای رسیدن به مرحله توافق در روابط زناشویی بیان می‌کند که یکی از آن‌ها برقراری رابطه جنسی ارضاکنده برای هر دو طرف است. مطالعه مروری توسط ایمپت^۲ و همکاران (2014) همبستگی بالای رضایت جنسی و رضایت زناشویی را در تحقیقات مختلف تأیید می‌کند. توکل و همکاران (2011) نیز نشان دادند عملکرد جنسی افراد با رضایت جنسی آنان مرتبط است و زنان مشکلاتی از جمله عدم رسیدن به ارگاسم را مطرح می‌کنند (Litzinger, 2005). با توجه به اهمیت ارگاسم بر رضایت جنسی زنان (Greenberg et al, 2002) می‌توان گفت که عدم تجربه ارگاسم از عوامل مؤثر بر نارضایتی جنسی است (Dunn & Croft, 2000).

مطالعات دیگر نیز با تأکید بر سلامت روان نشان دادند که علت بسیاری از آشفتگی‌های روانی، عدم رضایت‌مندی جنسی است (Saki and Bahreinian, 1999). عاملی که به‌ویژه در خصوص زنان از این نظر اهمیت دارد این است که بدون توجه به مسائل عاطفی و روانی، ارضا شدن زن از نظر فیزیکی نیز دشوار خواهد بود. پان^۳ (2007) نیز در مطالعه‌ای نشان داد درک عاطفی همسر بر رضایت جنسی زن بسیار حائز اهمیت است.

مک‌نالتی^۴ و همکاران (2016) با بررسی زندگی بیش از ۲۰۰ زوج نشان دادند که میزان رضایت از زندگی زناشویی با میزان رضایت از رابطه جنسی رابطه مثبتی دارد.

1. Nichols
2. Impett
3. Pan
4. McNulty

همچنین تحقیقات تأثیر صمیمیت بر رابطه ناب را مورد تأکید قرار داده و نشان دادند نه تنها رابطه جنسی فیزیکی رضایت بخش، بلکه بسیاری از واسطه‌های مشابه با ارتباط فیزیکی (غیرجنسی) در صمیمیت زوجین مؤثر است (Schneiderman et al, 2012). تماس در افراد بالغ معنایی فراتر از رضایت احساسی و لذت جسمی دارد (et al Gadassi, 2016)؛ اولاً، تماس فیزیکی یک رابطه رفت و برگشتی عادلانه است. دوم اینکه، چنین ارتباطی با حس اعتماد به نفس هر دو طرف گره خورده است (Schwartz & Young, 2009). سوم، در روابط بلندمدت ارتباط فیزیکی به عنوان یک معیار سنجش برای ایمنی و ثبات ارتباطی است (Butzer & Campbell, 2008). یکی از فاکتورهای مهم در ایجاد رابطه ناب، گفتگوی برابر و عادلانه است. اگر رابطه جنسی را یک فرایند در نظر بگیریم، گفتگوی جنسی قسمت مهمی از رابطه جنسی است. تحقیقات بسیاری اهمیت گفتگوی جنسی در رضایت خاطر زوجین از زندگی زناشویی را تأیید می‌کنند. گفتگوی جنسی به انتقال احساسات، امیال و خواسته‌های جنسی با شریک جنسی گفته می‌شود (Whestheimer & Lopater, 2002). نتایج تحقیقات مسترز و جانسون^۱ (1970) نشان می‌دهد زوجینی که نمی‌توانند درباره امیال و خواسته‌های جنسی خود صحبت کنند، بیش از سایر زوجین ناپهنجاری‌های جنسی را تجربه می‌کنند. هالبر^۲ و همکاران (1993) در پژوهش خود نشان دادند که متغیرهای شخصیتی و ارتباطی به‌ویژه گفتگوی جنسی، نگرش جنسی و صمیمیت با همسر از متغیرهای پیش‌بینی کننده اختلالات جنسی زنان هستند. در این راستا وستیمر و لوباتر^۳ (2002) نیز در مطالعه خود دریافتند که زوجینی که از گفتگوی جنسی بالاتری برخوردارند از ارتباط جنسی با همسرشان بیشتر لذت می‌برند.

یک مطالعه کیفی بر روی ۳۶ زوج ایرانی نشان داد که همراهی همسران در روابط جنسی (تأمین نیازهای جنسی یکدیگر حول تعارضات بوجود آمده و اختلاف سلیقه‌ها همراه با درک مشترک) و توافق (در نوع علایق و تمایلات همسران با هدف دستیابی به رضایت در روابط جنسی)، مفاهیم اساسی در سازگاری جنسی همسران هستند (Nekou la'al Tak, 2017)؛ با این وصف وضعیت در حال حاضر در ایران طوری است که سازمان ثبت احوال (2017) اعلام کرد در این سال رکورد آمار طلاق در تاریخ ایران رقم خورده است و به‌رغم افزایش جمعیت در ایران آمار ازدواج ثبت شده کاهش مداوم داشته است. مولوردی

1. Masters & Johnson

2. Hulber

3. Whestheimer, & Lopater

(2016) به نقل از خبرگزاری ایسنا اعلام کرد یکی از دلایل اصلی طلاق در ایران، نارضایتی جنسی است. روابط فرازناشویی نیز یکی از نمودهای نارضایتی جنسی در بین زوجین است و آن‌ها برای کاهش ناهماهنگی‌های شناختی خود در راستای پیش‌برد خیانت زناشویی به دو شیوه فراگیر عمل می‌کنند: ایجاد انعطاف در باورها و نگرش‌ها و بهانه ساختن نارضایتی زناشویی (Isanejad & Bagheri, 2016). همچنین قاسمی و همکاران (2017) نشان دادند که گرایش زوجین به روابط فرازناشویی با تجربه شکست عاطفی و عملکرد جنسی آن‌ها رابطه معناداری دارد و بیشترین مسائل حول تعداد برقراری روابط جنسی، زمان ارضا و کیفیت آن است.

حدادی و همکاران (2016) در پژوهشی بر روی ۳۷ نفر از متأهلان دارای روابط خارج از ازدواج، نشان دادند حدود ۵۶ درصد آنان، سابقه رابطه پنهانی با جنس مخالف داشته‌اند. در این بین نارضایتی عاطفی و جنسی در روابط زناشویی، حس انتقام‌جویی نسبت به بی‌وفایی همسر و تنوع‌طلبی در گرایش زنان و مردان متأهل بر روابط نامشروع جنسی مؤثر است. اشنایدر و داس (2005) عنوان می‌کنند که کشف بی‌وفایی یکی از شدیدترین عوامل استرس‌زا برای هر دو همسر به حساب می‌آید. کمالی و همکاران (2018) نیز نشان دادند که حالات و احساسات زنان پس از مواجهه با رابطه فرازناشویی همسرشان در پنج دسته قابل‌بررسی هستند: (۱) آشفتگی شدید روانی و جسمانی، (۲) تجربه احساسات ناخوشایند، (۳) اشتغال فکری با چرایی رویداد، (۴) نابسامانی رابطه با همسر پیمان‌شکن و (۵) سوگ و حسرت.

درواقع دشواری در تنظیم هیجان یکی از عوامل آشفتگی روانی و جسمانی پس از روابط فرازناشویی است (Baucom et al, 2004). حاجی حیدری و حبیبی عسگرآباد (2015) نیز تأکید می‌کنند افراد به دلایل مختلفی از جمله کنجکاو جنسی، تنوع‌طلبی، اثبات جذابیت، انگیزه تجربه کردن رابطه جدید، مبارزه با ناکارآمدی، کسب اعتمادبه‌نفس، سرگرمی، گریز از واقعیت و انتقام، وارد روابط فرازناشویی می‌شوند. در این بین عدم رضایت جنسی از علل اصلی خیانت مردان و مسائل عاطفی از علل اصلی خیانت در زنان است.

آنچه در تحقیقات پیشین در مورد رضایت زوجین از روابط جنسی مورد تأکید بوده، شامل عواملی از جمله ارتباط پایدار بین زوجین، سلامت روان آنان، جلوگیری از آسیب‌های روحی، افزایش حس اعتمادبه‌نفس است و بیشتر این تحقیقات با رویکردهای کمی به کشف این ارتباط و تأثیرات آن پرداخته‌اند. این در حالی است که فهم این پدیده به‌مثابه تجربه

زیسته‌ای که در یک صورت‌بندی گفتمانی خاص امکان می‌یابد، اهمیت دارد؛ بنابراین هدف این تحقیق نیز معنایی است که زنان از این ارتباط دارند؛ چرا که انسان‌ها موجوداتی خلاق هستند که جهان اجتماعی خویش را در فضایی گفتمانی معنا می‌کنند و بر اساس همین معنا کنش‌های خویش را سامان می‌دهند.

چارچوب مفهومی

در این مقاله برای فهم مسأله در سطح گفتمانی از اندیشه فوکو استفاده می‌کنیم. همچنین برای فهم برخی تجارب زنان از مفهوم «رابطه ناب» از گیدنز و مفهوم «عشق سیال» از اومن یاری می‌گیریم.

گیدنز (2006) تحولات اجتماعی، تاریخی، اقتصادی و سیاسی بعد از صنعتی شدن را که همراه با گسترش روزافزون نظام‌های تخصصی و بازانديشانه است، مدرنیته متأخر می‌نامد. او مدرنیته متأخر را با فرایندهایی چون «جهانی‌شدن»، «سنت زدایی» و «بازاندیشی اجتماعی» تعریف می‌کند. یکی از پیامدهای این دوره تغییر شکل در عواطف و زندگی خصوصی افراد است که از آن به‌عنوان «رابطه ناب» یاد می‌کند و آن را نوعی رابطه اجتماعی برابر می‌داند که برای نفس رابطه و به طرزی آزادانه انتخاب شده است و مقید به هیچ‌گونه معیار و ضابطه‌ای خارج از خود مانند معیارهای خویشاوندی، وظیفه اجتماعی و تکالیف سنتی زن و شوهر، نیست و لازم است طرفین رابطه برای آن تلاش کنند. در واقع با گسترش مدرنیته فرصت‌هایی برای ابراز صمیمیت و بیان خویشتن در اختیار ما قرار می‌گیرد که در جوامع سنتی ممکن نبود (Giddens, 2006: 22). بسیاری از تحقیقات اهمیت رابطه جنسی را در شکل‌گیری «رابطه ناب» نشان می‌دهند.

باومن (2015) نیز همچون گیدنز به تأثیر تغییرات اجتماعی در دگرگونی معنای عشق توجه کرده است و آن را با مفهوم «عشق سیال» توضیح می‌دهد. باومن معتقد است در دنیای امروز زنان و مردان به شدت محتاج به «ایجاد رابطه» هستند، اما درعین حال هراس دارند که این ارتباط موجب سلب آزادی‌های آنان نشود. در جامعه سیال مدرن، افراد پیوند ناگسستنی و همیشگی ندارند و بیشتر خواهان پیوندهای سست و بی‌قیدوبند هستند. باومن شرح می‌دهد قوای نیرومند بازار مصرفی، عمل بر اساس خواسته‌ها را به جزئی از رفتار روزانه تبدیل کرده است؛ مانند یک کالا که می‌توان در صورت «رضایت‌بخش» نبودن آن را با کالاهای دیگر عوض کرد. حتی اگر این کالا به وعده‌های خود عمل کند، نمی‌توان انتظار داشت به مدت طولانی از آن استفاده شود، چراکه «مدل‌های جدید و بهتر» مطرح

می‌شوند؛ بنابراین ورود به یک رابطه مانند یک سرمایه‌گذاری است و مهم‌ترین سودی که از آن انتظار می‌رود امنیت است. امنیت به معنای کمک سریع در هنگام نیاز، یاری در هنگام اندوه، همراهی در تنهایی، تسلی در هنگام شکست و تحسین در هنگام پیروزی و از همه مهم‌تر به معنای ارضای سریع یک نیاز؛ اما وعده تعهد به رابطه، پس از ورود به آن در بلندمدت پوچ و بی‌معنی است.

روابط در جامعه مدرن برخلاف خویشاوندی‌ها در جامعه سنتی زاینده‌ی انتخاب است و برای اینکه زنده و سالم بماند نیازمند سعی و کوشش روزانه است؛ بنابراین برای ساکنان جهان سیال مدرنی که از هر چیز محکم و بادوامی بیزارند این امر بسیار دشوار است (Bauman, 2005: 60). فضای مدرنیته‌ی سیال با ویژگی‌های عدم قطعیت، سیال بودن و مصرفی شدن به‌شدت این روابط را تحت تأثیر قرار داده است (Bauman, 2005: 11-10). درحالی‌که عشق رمانتیک با ویژگی‌هایی چون «تا ابد» و «فقط یک شخص منحصربه‌فرد» تعریف می‌شود، عدم تعهد ویژگی اصلی عشق سیال در انسان مدرن مصرف‌گرا است که روابط برایش شبیه به کالایی مصرفی است که تنها به کار مصرف سریع می‌آید و سبکی، سرعت، تازگی و تنوع از ویژگی‌های اصلی آن است.

باومن هرچند به شرح «رابطه ناب» در وضعیت «سیالیت جامعه مصرفی مدرن» می‌پردازد و آن را مورد پرسش قرار می‌دهد، اما همچنان این مسأله را در سطح صورت‌بندی‌های گفتمانی تبیین نمی‌کند. او به‌خوبی اشاره می‌کند که در جامعه مصرفی، رابطه ناب نیز یک کالای مصرفی است که در بهترین حالت هم درنهایت باید با کالای جدید جایگزین شود، اما توضیح نمی‌دهد این وضعیت در چه فضای گفتمانی شکل گرفته است. برای روشن شدن این بعد از مسأله لازم است از اندیشه‌های فوکو کمک بگیریم. وی معتقد است در غرب و در ابتدای سده هفدهم هنوز نوعی رک‌گویی متداول درباره اعمال جنسی وجود داشت، اما با شروع دوره بورژوازی سکسوالیته به‌دقت محبوس شد و به خانه‌ها نقل مکان کرد. خانواده‌ی زناشویی سکسوالیته را تصاحب کرده و به تمامی در کارکرد مهم تولیدمثل ادغام کرد. مناسبات جنسی زوجها با توصیه‌ها اشباع شد. درواقع پیوند دانش-قدرت- لذت شکل می‌گیرد (Foucault, 2014). زوج مشروع تولیدمثل‌گر ایجادشده و هر آنچه بر پایه تولیدمثل تجویز نشده بود، ممنوع شد. این سرکوب مجبور به دادن امتیازاتی نیز شد. اگر به‌راستی لازم بود جایی به روابط نامشروع جنسی داده شود، این روابط را باید در چرخه تولید، دست‌کم در چرخه سود جای داد. روسپی‌خانه و بیمارستان‌های روانی

همین مکان‌ها بودند. اگر مناسبات جنسی با سخت‌گیری بسیار در این دوره سرکوب می‌شود، از آن‌روست که با کار عمومی و متمرکز مغایرت دارد؛ اما گفتمان سکسوالیته مناسبات جنسی را در نظام‌های فایده‌مند گنجانده و آن را برای بیش‌ترین منافع همگانی سامان داد؛ بنابراین یک نوع سکوت در مورد مناسبات جنسی وجود نداشت، بلکه انواع سکوت‌ها وجود داشت؛ اما گفتمان مسلط جامعه مدرن قرن نوزدهم از طریق تکثیر سکسوالیته‌های نامتعارف عمل می‌کند. این مسأله با منافع اقتصادی بی‌شمار تضمین و تقویت شده است؛ بنابراین، در جوامع صنعتی مدرن شاهد انفجار آشکار بدعت‌گذار هستیم (Foucault, 2014)؛ بنابراین در صورت‌بندی‌های گفتمانی مختلف، رابطه جنسی با قدرت پیوند می‌خورد و به کنترل آن درمی‌آید. در مورد جامعه ایران نیز لازم است مشخص کنیم رابطه جنسی زنان متأهل در چه صورت‌بندی گفتمانی تعریف می‌شود.

برای فهم رابطه جنسی و معنایی که سوژه‌های انسانی به کنش‌های خود می‌دهند لازم است رویکردی اتخاذ کنیم که منظر کنشگران را نسبت به این مسأله برای ما روشن کند؛ اما اکثر پژوهش‌های مطرح‌شده در حوزه روابط جنسی در پارادایم اثباتی انجام شده‌اند که بر این فرض استوار است که یک سری واقعیت‌های قابل کشف وجود دارند که خود تحت تأثیر قوانین و سازو کارهای طبیعی غیرقابل تغییرند؛ اما مهم‌ترین نقدی که به این دسته از تحقیقات وارد می‌شود این است که آن‌ها کنشگر را منفعل در نظر گرفته و آن را تحت تأثیر سازو کارهای خارجی می‌دانند. به عبارتی رفتار انسانی، برخلاف پدیده‌های طبیعی نمی‌تواند بدون ارجاع به معانی و اهداف کنش‌های کنشگران انسانی درک شود (Mohammadpoor, 2013: 40). به این دلیل در این مقاله مفهوم رابطه جنسی را از منظر زنان متأهل شهر تهران یعنی کنشگران معناساز در رابطه مطالعه می‌کنیم.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، یک مطالعه‌ی کیفی است. هدف اساسی پژوهش کیفی عبارت است از توسعه فهم و درک این مطلب که جهان چگونه ساخته می‌شود (McLeod, 2014: 9). پژوهشگران کیفی اساساً در پی آن هستند که شکل و محتوا و تجربه کنش اجتماعی را که مقید به موقعیت‌ها است، تحلیل کنند (Lindlof & Taylor, 2009: 54)؛ بنابراین این مقاله با رویکرد تفسیری در پی پاسخ به این پرسش است که زنان طبقه متوسط شهر تهران چه فهمی از روابط جنسی خود با همسرانشان دارند و آن را چگونه معنا می‌کنند.

تحقیقات کیفی با استفاده از روش‌های مختلفی از جمله مصاحبه عمیق انجام می‌شوند که در این مقاله از این روش استفاده شده است. مصاحبه عمیق «در بهترین شکل آن عبارت است از رویدادی که در آن یک شخص (مصاحبه‌گر) دیگران را تشویق می‌کند تا آزادانه علایق و تجربیات خود را واگو کند (Lindlof & Taylor, 2009: 54). مهم‌ترین حسن مصاحبه عمیق غنای جزئیاتی است که در رویکردهای دیگر کاملاً دست‌نیافتنی است (Wimmer & Dominick, 2010: 196).

در این تحقیق نیز با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند با ۲۸ نفر از زنانی که در خانواده‌هایی با طبقه متوسط در شهر تهران زندگی می‌کردند، در سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۷ مصاحبه عمیق انجام شد. با این شرط که از زمان ازدواج آنان حداقل پنج سال گذشته و سن آن‌ها کمتر از ۴۵ سال باشد. برای پوشش دادن مفهوم طبقه متوسط سه شاخص شغل سرپرست خانوار، درآمد خانواده و تحصیلات زنان در نظر گرفته شد. حداقل درآمد خانوار مصاحبه‌شوندگان سه میلیون تومان بوده و سرپرست‌های خانوار همگی شاغل و در حوزه صنعت، خدمات و مشاغل آزاد فعالیت می‌کردند.

قبل از انجام مصاحبه از هر یک از مصاحبه‌شوندگان رضایت‌نامه آگاهانه گرفته شد و درباره محرمانه ماندن اطلاعات، اختیاری بودن انصراف از مصاحبه و داشتن استقلال در تمایل به ضبط صدا، به آنان اطمینان داده شد. پس از انجام مصاحبه، متن مصاحبه‌ها پیاده‌سازی شده و تحلیل مصاحبه‌ها انجام گرفت. همچنین برای دستیابی به اعتبار داده‌ها، از روش «کنترل از سوی اعضا» یا اعتبار سنجی توسط مصاحبه‌شوندگان استفاده شد. ویژگی مشارکت‌کنندگان در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است.

جدول (۱): ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

Table 1: Demographic characteristics of participants

تحصیلات		سن	
بالتر از لیسانس	دیپلم تا لیسانس	40-26	25-18
17	11	15	13
%61	%39	%54	%46

برای تحلیل مصاحبه‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی بهره بردیم. میرینگ^۱ (2000) برای تحلیل محتوای کیفی دو شیوه «تکوین استقرایی مقوله‌ها» و «به‌کارگیری قیاسی مقوله‌ها»

1. Mayring

را مطرح می‌کند. در پژوهش حاضر برای تحلیل محتوای متن‌ها، شیوه تکوین استقرایی مقوله‌ها به کار برده شده است. ایده اصلی در تکوین استقرایی مقوله‌ها، عبارت است از فرمول‌بندی ملاک تعریف؛ یعنی معیار انتخاب، برگرفته از چارچوب نظری و مسأله پژوهش است که این ملاک تعیین‌کننده جنبه‌هایی از متن است که باید در تحلیل محتوا مدنظر قرار بگیرد. متن با در نظر گرفتن این ملاک، بررسی می‌شود و مقوله‌های استقرایی به صورت آزمایشی و گام‌به‌گام استنتاج می‌شوند (Hariri, 2006: 265). در این تحقیق پس‌از اینکه متن مصاحبه پیدا شد، ابتدا مفاهیم اولیه از گزاره‌های معنادار استخراج شد و سپس مقوله‌های فرعی و مقوله اصلی به دست آمد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌ها نشان داد زنان طبقه متوسط شهر تهران روابط جنسی با همسرشان را تحت مقوله‌های «وظایف همسری زن»، «معامله با همسر»، «فرصتی برای کنترل همسر»، «راهی برای تضمین زندگی زناشویی» و «صمیمیت و لذت دوجانبه» معنا کرده‌اند. آن‌ها خواستار «روابط جنسی برابر و عاشقانه» هستند، اما موانع تحقق این خواسته را تحت عنوان مقوله‌های «ناتوانی و کم‌توانی جنسی مردان»، «ناآگاهی همسران از رابطه جنسی مناسب»، «احساس سرخوردگی در رابطه به دلیل ازدواج زودهنگام»، «عدم برقراری رابطه کلامی»، «حس نفرت و انتقام به دلیل روابط فرازناشویی مرد» دسته‌بندی می‌کنند. سازو کارهای جبرانی زنان برای رفع رابطه نامطلوب جنسی با همسرانشان شامل «جبران مالی»، «روابط فرازناشویی» و «جایگزینی روابط عاطفی با دوستان» بوده است. این سازو کارهای جبران پیامدهایی دارد از قبیل «پرخاشگری»، «افسردگی»، «تداوم رابطه فرازناشویی به اجبار»، «تهدید و اخاذی توسط شریک جنسی در رابطه فرازناشویی»، «سرزنش خویشتن» و «افراط در مصرف‌گرایی». یافته‌ها در جدول‌های زیر نمایش داده شده است.

جدول (۲): معنای ذهنی مصاحبه‌شوندگان از روابط جنسی با همسرانشان

Table 2: Interviewees' mental meaning of sex with their spouses

وظایف همسری زن و عامل بازدارنده خیانت مرد	معنای رابطه جنسی با همسر
معامله با همسر	
فرصتی برای تهدید و کنترل همسر	
اهرمی برای تضمین زندگی زناشویی	
صمیمیت و لذت دوجانبه در زندگی و عامل تقویت روابط همسری	

یافته‌های جدول شماره ۲ نشان می‌دهد معنای ذهنی زنان از رابطه جنسی با همسرانشان متفاوت بوده است. به طوری که برخی از زنان از این رابطه به عنوان ابزاری برای کنترل و هدایت سایر تعاملات با همسرانشان سود می‌برند؛ اما در عین حال برخی از زنان نیز معنای این رابطه را به مثابه لذت دوجانبه درک کرده‌اند. نمونه‌ای از گزاره‌های معنادار مصاحبه‌شوندگان به شرح زیر است:

وظایف همسری زن

درک ازدواج در ایران با توجه به ماهیت حقوقی و عرفی آن پذیرش نوعی تقسیم نقش و وظایف همسری است. در واقع الگوهای رفتاری و انتظارات جنسیتی در مورد برخی از مشارکت‌کنندگان مورد قبول واقع شده است. در این بین رابطه جنسی به عنوان یک وظیفه برای زن تلقی شده و از مفهوم «رابطه ناب» فاصله می‌گیرد. از نظر زنانی که سوژه این گفتمان هستند، این وظیفه یا خدمتی است که اگر مرد نتواند آن را در خانواده دریافت کند، حق دارد آن را در بیرون به دست بیاورد؛ چراکه زن به یکی از نقش‌ها و وظایف همسری‌اش که در اختیار گذاشتن بدن خود در رابطه جنسی با همسر است، عمل نکرده است.

ندا ۳۱ ساله می‌گوید: «خیلی وقت‌ها دلم نمی‌خواد رابطه جنسی داشته باشم؛ اما شوهرم نیاز داره و خوب تو زندگی زناشویی به نوعی وظیفه زن هست که نیازهای مردش را برآورده کنه». مریم ۳۳ ساله می‌گوید: «وقتی نیاز داره اگر من به عنوان همسرش نیازش را جواب ندم خوب ممکنه بره بیرون سراغ کس دیگه».

معامله با همسر

در گفتمانی که رابطه جنسی به معنای یک وظیفه در تقسیم‌کار عرفی و حقوقی برای زنان معنا می‌شود، در قبال خدمتی که زن ارائه می‌کند، لازم است پاداشی دریافت کند. این نوعی معامله‌گری است که از ذات یک رابطه نابرابر متجلی می‌شود، یکی از وقتهای همان گفتمانی است که رابطه جنسی را به عنوان یک وظیفه برای زن تعریف می‌کند. بدن زن کالایی است که ارائه می‌شود و در برابر آن باید پرداختی صورت بگیرد. در این رابطه نابرابر امکان گفتگو تنها در زمان معامله امکان‌پذیر است و به یک چانه‌زنی در بازار برای خرید کالا شباهت پیدا می‌کند. در این گفتمان زن بدنش را تنها به عنوان محمولی برای حضور در فضای گفتمانی دارد. البته باید در نظر داشت رابطه‌ای که در سطح چانه‌زنی معامله‌گران

قرار می‌گیرد، همان‌طور که باومن هم اشاره می‌کند پس از مصرف یا به دور انداخته می‌شود یا با کالای دیگر جایگزین می‌گردد.

نیره ۳۷ ساله می‌گوید: «خیلی از چیزهایی را که وقت‌های دیگه بهم می‌گه نه... فقط در زمان رابطه جنسی می‌تونم ازش بخوام. اون موقع هر چی بخوام را می‌تونم قولش را ازش بگیرم. اگر بعداً بزنه زیرش من هم تو رابطه بعدی تلافی می‌کنم».

سمیرا ۲۸ ساله می‌گوید: «یه جورهایی باهش معامله می‌کنم دیگه. یه رابطه جنسی خوب از طرف من باعث می‌شه مثلاً یه چیزی را که می‌خواستم بخره و قبلاً گفته بود نمی‌تونه را برام بخره و یا در مورد خانواده‌اش یه رفتاری را که می‌خواستم انجام بده یا نده را مطابق میل من رفتار کنه. درواقع یه اهرمی هست این رابطه جنسی برام».

فرصتی برای تهدید و کنترل همسر

این مقوله نیز در ادامه همان گفتمان مسلط به‌عنوان وقته‌ای دیگر حول دال مرکزی تقسیم‌کار حقوقی و عرفی زن متجلی می‌شود و کاملاً از مفهوم رابطه ناب‌گیدنز فاصله دارد؛ چراکه در رابطه ناب هیچ‌یک از طرفین اجباری برای ماندن در رابطه ندارند و اهرمی برای فشار در رابطه وجود ندارد. این مقوله در فضای گفتمانی می‌تواند معنا شود که رابطه جنسی و بدن زنانه کالایی است که زن می‌تواند آن را ارائه نکند. در این فضای گفتمانی است که بدن زن برایش به منزله یک سلاح جلوه‌گر می‌شود؛ اما همان‌طور که یکی از مشارکت‌کنندگان اشاره می‌کند امکان جایگزینی این رابطه وجود دارد و در صورتی که نیاز روزانه و فوری فرد (در اینجا مردان) تأمین نشود، ممکن است آنان از رابطه خارج بشوند.

مهتاب ۲۶ ساله می‌گوید: «خوب شوهرم من را دوست داره؛ اما خیلی هم مغروره و مردسالاره؛ اما به‌هرحال این رابطه با من براش مهم هست. من هم در مقابل حواسم هست که یه وقت‌هایی تهدید می‌کنم که برای یه مدت باهش رابطه برقرار نمی‌کنم. خودش دیگه می‌دونه اگر من را ناراحت کنه نمی‌تونه این رابطه را داشته باشه. البته این وقتی هست که شوهر آدم واقعاً براش این رابطه مهم باشه. خیلی از مردها هستن می‌گن خوب نشد که نشد و می‌رن سراغ یکی دیگه». زیبا ۳۰ ساله می‌گوید: «شوهرم می‌دونه اگر من را ناراحت کنه اولین واکنش من قطع این رابطه است».

تضمین زندگی زناشویی

در گفتمانی که رابطه جنسی به‌عنوان یک کار یا خدمت برای زن تعریف می‌شود، ارائه رضایت‌بخش آن می‌تواند موجب تقویت این گفتمان شده و طرف رابطه را به ارائه نقش سوژگی‌اش در گفتمان ترغیب کند. زنان که موقعیت سوژگی خود را در این گفتمان تعریف کرده‌اند وقتی توسط گفتمان فراخوانده می‌شوند با ارائه رابطه جنسی مطلوب به همسرانشان علی‌رغم رضایت و لذت‌بخش بودن رابطه برای خودشان، آن گفتمان را بازتولید می‌کنند و آن را به معنای تضمین زندگی زناشویی می‌خوانند و همچنان بدن زنانه در نقش نوعی سلاح باقی می‌ماند. این مقوله نیز همچنان از مفهوم رابطه ناب به‌مثابه رابطه‌ای برابر فاصله دارد؛ چراکه تضمین رابطه نه به برابری و رضایت و لذت دوطرفه بلکه به ارائه خدمتی یک‌طرفه بستگی دارد تا خریدار خدمت از این معامله راضی باشد.

منصوره ۳۸ ساله می‌گوید: «هر مشکلی که داشته باشیم کافی هست در یک فضایی قرار بگیریم که این رابطه برقرار بشه. برای شوهر من که مثل یه آبی هست رو آتیش. یادش می‌ره اون مشکل را و از خر شیطون می‌آد پایین». اکرم ۳۳ ساله می‌گوید: «هر وقت حس کنم حواسش به زندگی مون نیست سعی می‌کنم بیشتر رابطه داشته باشیم و گرم‌تر باشم. می‌بینم که خیلی روی شوهرم تأثیر داره و زندگی مون گرم‌تر می‌شه».

صمیمیت و لذت دوجانبه در زندگی و عامل تقویت روابط همسری

این مقوله را می‌توان با مفهوم «رابطه ناب» توضیح داد. در این نوع از رابطه مشارکت‌کنندگان از رابطه‌ای برابر صحبت می‌کنند که بر اساس لذت و رضایت دو طرف بنا شده است. این رابطه به شناخت و عشق متقابل می‌انجامد و هیچ ضابطه و اجباری برای طرفین رابطه وجود ندارد؛ اما همچنان بیم آن می‌رود که سیالیت مدرنیته این رابطه ناب را به چالش بکشد.

هدیه ۲۸ ساله می‌گوید: «برای من رابطه جنسی جزئی از حس عاشقانه‌ام هست. هر دو لذت می‌بریم... بله خوب، یه وقت‌هایی می‌ترسم که از دستش هم بدم... نمی‌تونم حتی بهش فکر کنم». شبنم ۳۱ ساله می‌گوید: «هر بار به هم نزدیک‌تر می‌شیم. بیشتر می‌شناسمش و حسام بهش عمیق‌تر می‌شه».

اما مصاحبه‌شوندگان به مشکلات و موانع در رابطه جنسی مناسب با همسرانشان اشاره کردند که در جدول شماره ۳ ارائه شده است:

جدول (۳): موانع ایجاد رابطه جنسی مناسب از منظر مصاحبه‌شوندگان

Table 3: Obstacles of having an appropriate sex in interviewees point of view

ناتوانی و کم‌توانی جنسی همسران و عدم مراجعه برای درمان	موانع ایجاد رابطه جنسی مناسب
ناآگاهی همسران از رابطه جنسی مناسب	
احساس سرخوردگی در رابطه به دلیل ازدواج زود هنگام	
عدم برقراری رابطه کلامی و عاشقانه قبل از برقراری رابطه فیزیکی	
حس نفرت و انتقام به دلیل رابطه فرازنشویی مرد	

یافته‌های جدول شماره ۳ مشخص می‌کند موانع ایجاد رابطه جنسی مناسب از نظر زنان حول محور عدم آموزش جنسی مردان و نگرش آنان به رابطه جنسی و امکان درمان آن شکل گرفته است. زنان نیز در برقراری رابطه جنسی مشکل دارند. رابطه جنسی فرایندی است که از ارتباط کلامی و عاشقانه تا رابطه فیزیکی را شامل می‌شود که عدم وجود این فرایند در میان مشارکت‌کنندگان به‌عنوان مانعی برای ایجاد رابطه جنسی مناسب بیان شده است. همچنین ازدواج زود هنگام موجب شده زنان در رابطه جنسی‌شان احساس شکست کنند و آن رابطه را نامناسب بدانند. در نهایت زنانی که از رابطه فرازنشویی همسرانشان آگاه شده‌اند، ناتوان از برقرار رابطه جنسی مناسب با همسرانشان بودند. نمونه‌ای از گزاره‌های معنادار مصاحبه‌شوندگان به شرح زیر است:

ناتوانی و کم‌توانی جنسی مردان

این مقوله نشان می‌دهد زنان تمایل دارند که رابطه‌ای رضایت‌بخش و دوطرفه داشته باشند و برای آن تلاش می‌کنند، اما این تمایل در گفتمان رابطه نابرابر که رابطه جنسی رضایت‌بخش را حق مردان و خدمتی از طرف زنان معنا می‌کند، به حاشیه رانده می‌شود و در نهایت از مفهوم رابطه ناب به مثابه رابطه‌ای برابر فاصله می‌گیرد.

سمیرا ۲۸ ساله می‌گوید: «به‌ندرت من در رابطه جنسی با همسرم ارضا می‌شوم. بارها از او خواستم به مشاور مراجعه کنیم اما او حاضر به انجام این کار نیست». فریبا ۳۷ ساله می‌گوید: «همسر من به‌سختی می‌تواند تحریک شود و زود انزالی دارد. خیلی تلاش کردم اوضاع بهتر شود اما فایده‌ای نداشت».

ناآگاهی از رابطه جنسی مناسب

زنان مشارکت‌کننده در تحقیق عملکرد مردان را در این فضای گفتمانی با مفهوم «ناآگاهی» درک می‌کنند. در حالی که این مقوله تنها یکی از وقته‌های است که در صورت‌بندی گفتمانی

روابط زناشویی از منظر زنان متأهل طبقه متوسط شهر تهران ... ۱۰۳

نابرابری رابطه جنسی شرایط امکان آن فراهم شده است. نوع آگاهی مردان را گفتمان‌هایی شکل می‌دهند که سوژه آن‌ها هستند. این مقوله نیز نشان می‌دهد رابطه جنسی در بین مشارکت‌کنندگان از مفهوم رابطه برابر فاصله دارد و عدم تلاش مردان برای بهبود این رابطه را می‌توان از این منظر تحلیل کرد که آنان در پی ارضای سریع نیازهای خود بوده و این رابطه برای آنان سست و نامتعهدانه است.

روشنک ۳۹ ساله می‌گوید: «آداب روابط جنسی را بلد نیست. خیلی هم مغروره و حاضر نیست قبول کنه و یا سعی کنه یاد بگیره. حتی درست بلد نیست من را تحریک کنه». پریسا ۳۱ ساله می‌گوید: «فکر می‌کنه همین که خودش ارضا بشه کافی هست. توقع داره من هم ارضا بشم بدون اینکه اون هیچ تلاشی کنه».

احساس سرخوردگی در رابطه به دلیل ازدواج زودهنگام

این مفهوم به‌روشنی از تعریف رابطه ناب فاصله می‌گیرد؛ چراکه در رابطه برابر باید فرد به‌طور آزادانه و بدون هیچ اجباری، آن رابطه را انتخاب کند؛ اما عدم رضایت زنان و احساس سرخوردگی‌شان از ورود به رابطه‌ای که بر اساس ضوابط و معیارهای خویشاوندی، اقتصادی، فرهنگی و ... شکل گرفته، نشان می‌دهد که آنان به رابطه‌ای ناب تمایل دارند، هرچند همان ضوابطی که آنان را مجبور به قبول چنین رابطه‌ای کرده است، خروج از چنین رابطه‌ای را برای آنان محدود می‌کند. در این مقوله نیز بدن زنانه کالایی است که در موقعیت‌های مختلف اجتماعی مورد دادوستد قرار گرفته است.

الهام ۲۳ ساله می‌گوید: «من خیلی زود ازدواج کردم. ۱۷ سالم بود همش. در تمام این سالیان که ازدواج کرده بودم، فکر می‌کردم اصلاً من عاشق نشدم. نفهمیدم کی وارد زندگی شدم و اصلاً رابطه جنسی برام هیچ معنایی نداشت. حس می‌کنم یه بخش بزرگی از زندگی‌ام را از دست دادم».

عدم برقراری رابطه کلامی و عاشقانه قبل از برقراری رابطه فیزیکی

این مقوله نیز در گفتمان رابطه نابرابر و هم سو با سایر مقوله‌ها معنا می‌شود و تنها تجلی فضای گفتمانی در کنش‌های سوژه‌ها است. نوعی کنش که امکان حضور آن در این گفتمان اجتناب‌ناپذیر می‌شود. این مقوله نیز مجدداً بر عدم وجود رابطه‌ای برابر در بین مشارکت‌کنندگان در تحقیق صحنه می‌گذارد.

معصومه ۲۹ ساله می‌گوید: «هیچ حرفی نمی‌زنه. نه محبتی، نه نوازشی. انگار یه وسیله هستم براش. من هم خوب دیگه حسی ندارم با این وصف». زهرا ۳۱ ساله می‌گوید: «کل این رابطه وقتی چند دقیقه بیشتر طول نمی‌کشه، چه حسی می‌تونم داشته باشم؟ هیچ معنایی برام نداره».

حس نفرت و انتقام به دلیل رابطه فرازنشویی مرد

در گفتمانی که گزاره‌های حقوقی و عرفی روابط فرازنشویی را برای سوژه مردانه امکان‌پذیر می‌داند، زنان را نیز به‌عنوان شکست‌خوردگانی فرامی‌خواند که باید انتقام خود را بگیرند. حال یا از زانی که با همسرانشان رابطه دارند یا از فرزندان آنان و یا از خود همسر. سکوت در برابر رابطه فرازنشویی همسر به بازتولید این گفتمان کمک می‌کند و نه تنها ارائه خدمت جنسی را از طرف زنان با مشکل مواجه می‌کند، بلکه همان‌طور که در یافته‌های بعدی تحقیق نشان خواهیم داد به سازو کارهای جبران می‌انجامد.

نگار ۳۳ ساله می‌گوید: «من می‌دونم شوهرم یه کسی را داره، اما هیچی نمی‌گم. رابطه دارم با همسر اما همون لحظه هم ازش بدم می‌آد! هیچ حسی ندارم. حتی نفرت دارم از این رابطه باهش».

مصاحبه‌شوندگان در ادامه به سازو کارهای جبران رابطه‌ای که از نظر آنان نامناسب است، اشاره کرده‌اند که یافته‌های آن در جدول شماره ۴ مشخص شده است:

جدول (۴): سازو کارهای جبران رابطه جنسی نامناسب از منظر مصاحبه‌شوندگان
Table 4: Compensation Mechanisms of Inappropriate Sexual in Interviewees point of view

جبران مالی	سازو کارهای جبران رابطه جنسی نامناسب
روابط فرازنشویی	
جایگزینی روابط عاطفی با دوستان	

یافته‌های جدول شماره ۴ نشان می‌دهد زنان برای جبران رابطه جنسی نامناسب چه سازو کارهایی را به کار می‌گیرند؛ برخی از آنان با دریافت امکانات مالی از همسرانشان احساس می‌کنند که این رابطه نامناسب جبران شده و به رابطه خود از طریق جبران مالی معنا می‌دهند. عده‌ای وارد روابط فرازنشویی شده و از طریق جایگزین کردن شخص دیگر به جای همسر در یک رابطه جنسی، امکان ادامه ارتباط با همسرشان را ممکن می‌دانند و عده‌ای نیز به روابط عاطفی با دوستان و خانواده روی می‌آورند.

روابط زناشویی از منظر زنان متأهل طبقه متوسط شهر تهران ... ۱۰۵

در ادامه برای درک بهتر مفاهیم مستخرج از مصاحبه‌ها به نمونه‌هایی از گزاره‌های معنادار اشاره می‌کنیم.

جبران مالی

این مقوله نیز در همان صورت‌بندی گفتمانی تجلی پیدا می‌کند که رابطه جنسی را یک‌طرفه و نابرابر تلقی کرده و زنان سوژه این گفتمان نیز با مفهوم جبران مالی فرض را بر این می‌گیرند که این نابرابری را جبران کرده‌اند، درحالی‌که این کنش تجلی اجتناب‌ناپذیر همان گفتمان است. این مقوله نیز هم‌جهت با سایر مقولات از رابطه ناب به‌مثابه رابطه برابر فاصله می‌گیرد.

پریسا ۳۱ ساله می‌گوید: «خودش می‌دونه که بالاخره مشکل داره و من ناراضی هستم. سعی می‌کنه با پول و خرید هدیه یا ... برام جبران کنه و من را راضی نگه داره به ادامه این رابطه. من هم قبول می‌کنم. به‌هرحال جدا که نمی‌تونم بشم با بچه. حداقل اینجوری جبران بشه».

روابط فرازناشویی

در فهم این مقوله در نگاه اول به نظر می‌رسد سوژه‌ها به شکلی فعال رابطه نابرابر جنسی را به چالش می‌کشند، اما با نگاهی دقیق‌تر متوجه می‌شویم که آنان اساساً برای به چالش نکشیدن همین رابطه نابرابر است که چنین سازو کار جبرانی را در پیش می‌گیرند و درنهایت نابرابری را بازتولید می‌کنند. همچنین به عنوانی رابطه‌ای سیال، این زنان با جایگزین کردن یک رابطه کوتاه‌مدت به دنبال رفع سریع نیازهای خود هستند. از آنجاکه این زنان متأهل هستند، عملاً امکان اندیشیدن به رابطه بلندمدت امکان‌پذیر نیست و هر دو طرفه رابطه فرازناشویی می‌دانند که این رابطه‌ای کوتاه‌مدت و به تعبیر باومن رابطه جنسی ناب است؛ اما همان‌طور که باومن هم اشاره می‌کند این رابطه جنسی ناب که باید رضایت خاطر ایجاد کند، تنها اضطراب را افزایش می‌دهد. این مطلب را گزاره‌های معنادار ارائه‌شده توسط مشارکت‌کنندگان نیز تأیید می‌کند.

روشنک ۳۹ ساله می‌گوید: «اوایل خیلی احساس تنهایی می‌کردم. اول فقط به لحاظ عاطفی دلم می‌خواست من هم کسی را داشته باشم؛ اما وارد رابطه جنسی شدم با یه فردی... خیلی سنگین هست و عذاب می‌کشم؛ اما نمی‌تونستم جدا بشم. این به نظرم تنها راه اومد». نگار ۳۳ ساله می‌گوید: «خودم هم نفهمیدم چه طوری و کی وارد رابطه با یک

فرد دیگه شدم؛ اما یادم هست که برای اولین بار وقتی با اون فرد دیگه بودم رابطه جنسی واقعی را تجربه کردم و این طور لذت بخش بود که دیگه نتونستم ازش بگذرم. به خصوص وقتی می‌دونم شوهرم هم با یکی دیگه هست».

جایگزینی روابط عاطفی با دوستان

این مقوله نیز شکل منفعلانه مقوله بالا در جهت تقویت رابطه جنسی نابرابر است. مهتاب ۲۶ ساله می‌گوید: «من با چند تا از دوستانم با هم خوش هستیم. همش بیرون می‌ریم و می‌گردیم و... خودم را در واقع سرگرم می‌کنم. رابطه جنسی که خوب نباشه آدم کم کم حس می‌کنه خیلی تنه‌است و این تنهایی را من با چند تا از دوستانم پر کردم». نیلوفر ۳۵ ساله می‌گوید: «بی‌خیال این رابطه شدم دیگه. هزار دلش خوش باشه حداقل اون لذت می‌بره. من دارم با خانواده خودم و دوستانم خوش می‌گذروم. دیگه چاره‌ای نیست». سازو کارهای جبران برای مشارکت‌کنندگان در تحقیق پیامدهایی داشته است که به طور خلاصه در جدول شماره ۵ ارائه شده است:

جدول (۵): پیامدهای سازو کار جبران رابطه جنسی نامناسب در میان مصاحبه‌شوندگان

Table 5: Consequences of the compensation mechanism of inappropriate sex among interviewees

پرخاشگری	پیامدهای سازو کار جبران
افسردگی	
تداوم رابطه جنسی فزاینده‌تری به اجبار	
تهدید و اخاذی توسط شریک جنسی	
سرزنش خویشان	
افراط در مصرف‌گرایی	

پرخاشگری

از آنجاکه آگاهی سوژه‌های گفتمانی از خود و بدن زنانه‌شان در همین فضای گفتمانی شکل گرفته، تخطی از وظایف و حقوق و تقسیم‌کاری که این صورت‌بندی تعریف می‌کند، برای آنان دشوار است. آنان هرچند با سازو کارهایی سعی در جبران این رابطه نابرابر دارند اما در عمل آن را تقویت کرده و بازتولید می‌کنند؛ چراکه هستی خود را بر اساس همین گفتمان معنا کرده‌اند. یکی از پیامدهای این سازو کارها پرخاشگری است که نشان از عدم جبران رابطه نابرابر دارد. نرگس ۳۱ ساله می‌گوید: «بین وقتی از رابطه جنسی‌ام ناراضی

روابط زناشویی از منظر زنان متأهل طبقه متوسط شهر تهران ... ۱۰۷

هستم، عصبانی هستم از شوهرم. بی خود به همه چی گیر می دم. خودم می دونم کلافه هستم و ایراد دارم می گیرم، اما دست خودم نیست».

افسردگی

این مقوله نیز در پیوند با مقوله خشم و ناشی از عدم جبران رابطه نابرابر است و درعین حال نشان دهنده تمایل و نیاز مشارکت کنندگان برای برقرار یک رابطه جنسی برابر است. مریم ۳۳ ساله می گوید: «خیلی وقت ها حس می کنم دیگه خسته شدم. از همه چی بدم می آید. حتی حوصله ندارم به خانه و زندگی ام برسم. وقتی هیچ عشق و حسی نباشه آدم کم می - آره».

آزاده ۳۶ ساله می گوید: «آدم از زندگی که توش نه محبتی هست و نه توجهی دلزده می شه. رابطه جنسی خوب می تونه آدم را دلگرم کنه و اگر هم مشکلی پیش بیاد بین زن و شوهر، خوب زن انگیزه داره حلش کنه، می دونه یه عشقی هست یه حسی هست!».

تداوم رابطه جنسی فرازناشویی به اجبار

رابطه نابرابر در رابطه فرازناشویی با شدت بیشتری وجود دارد. زنی که برای حفظ رابطه ای نابرابر به رابطه ای فرازناشویی به عنوان سازو کار جبران روی می آورد، درنهایت مجبور می شود برای حفظ همان رابطه نابرابر تن به اجبار یک رابطه فرا زناشویی بدهد و نابرابری مضاعف می شود. در این وضعیت بدن زنانه برای مصاحبه شوندگان مورد نفرت واقع شده و حس می کنند به آنان تجاوز شده است.

روشنک ۳۹ ساله می گوید: «اون کسی که می آید با یه زن شوهردار رابطه داره، به راحتی نمی گذاره بره! من بارها خواستم از این رابطه بیام بیرون، اما طرف تهدیدم می کنه. مجبور می شم به رابطه ام ادامه بدم. انگار داره بهم تجاوز می شه، اما اون هر بار می گه به خاطر علاقه اش به من هست که این ها را می گه».

تهدید و اخاذی توسط شریک جنسی

این مقوله در پیوند با مقوله بالا قرار گرفته و در ادامه رابطه فرازناشویی، شریک جنسی جدید نه تنها بدن زنانه را طلب می کند، بلکه زن مجبور به ارائه خدمات دیگری نیز می شود. سحر ۴۰ ساله می گوید: «مرتب تهدیدم می کنه. ازم پول می گیره، رابطه جنسی هم که

باهاش دارم و کلی دردسر می‌کشم. از طرفی هم چون شوهرم همش تنهام می‌گذاره و نیست به این وضعیت عادت کردم».

سرزنش خویشتن

در نهایت سوژه گفتمانی که رابطه نابرابر و صورت‌بندی گفتمانی را نمی‌شناسد، خود را مقصر می‌داند که خارج از وظایف و حدودی که تعریف شده بود حرکت کرده است. خشم او معطوف به خود و همسرش است و همچنان رابطه نابرابر ادامه می‌یابد. روشنگر ۳۹ ساله می‌گوید: «من اینقدر عذاب وجدان دارم! مرتب خودم را لعنت می‌کنم که این چه کاری بود کردم!». سحر ۴۰ ساله می‌گوید: «وقتی ازدواج می‌کردم، آرزوی یه زندگی عاشقانه داشتم، چی شد یه دفعه؟ نمی‌دونم. خیلی خودم را سرزنش می‌کنم. هم خودم را هم شوهرم را».

افراط در مصرف‌گرایی

این مقوله توضیح می‌دهد فرد تلاش است رضایتی را که فرد از رابطه نابرابر جنسی نتوانسته به دست بیاورد، در تصاحب کالاهای مصرفی جدید کسب کند. این مقوله نیز نشان‌دهنده عدم وجود رابطه ناب در بین مشارکت‌کنندگان است. این وضعیت را این‌گونه می‌توان تحلیل کرد که رابطه جنسی که در این فضای گفتمانی همچون کالایی است که باید تصاحب شود، اکنون با کالاهای لوکسی جایگزین می‌شود که امکان تصاحب آن برای زنان وجود دارد تا شاید نارضایتی ناشی از عدم وجود رابطه برابر را جبران کنند. شادی ۳۴ ساله می‌گوید: «برام مثل یه وسواس شده. دلم را خوش کردم به اینکه برم خرید لباس و مانتو و کفش و ...». زهرا ۳۱ ساله می‌گوید: «خیلی به هیکلیم می‌رسم. مراقب وزنم هستم و مرتب ماساژ میرم. یک جور نگرانی عجیب نسبت به خودم پیدا کردم».

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش‌های بسیاری یافته‌های این تحقیق را تأیید می‌کنند. از جمله نالتی^۱ و همکاران (2016) و بخشایش و مرتضوی (2009)، که بر اهمیت رابطه جنسی بر رضایت از زندگی زناشویی تأکید دارند، و تحقیق شاه‌سیاه و همکاران (2009) که نشان می‌دهد افزایش رضایت جنسی می‌تواند در پایبندی به تعهد زناشویی نقش مؤثری داشته باشد. همچنین این تحقیق اهمیت روابط بین فردی و عاطفی بین زوجین و مؤثر بودن آن بر روابط جنسی

را روشن ساخت که هم‌راستا با تحقیق بایرس^۱ (2005) و امراللهی و همکاران (۲۰۱۳) است که نشان می‌دهد رضایت از ارتباط‌های بین فردی زوجین با رضایت جنسی آن‌ها همبستگی دارد و یا آنطور که اسپریچر^۲ (2002) گزارش می‌کند رضایت جنسی پایین موجب کاهش ارتباط بین فردی می‌شود.

این تحقیق همچنین بر عدم رضایت از رابطه جنسی و پیامدهای آن چون احساس افسردگی اشاره داشت که این یافته با تحقیقات بخشی و همکاران (2007)، استنهورب^۳ و همکاران (2002)، کلایسون^۴ و همکاران (2004)، توینگ و همکاران (2003) که رابطه بین احساس افسردگی و نارضایتی از روابط زناشویی را نشان می‌داد، هماهنگ بود؛ به عبارت دیگر مطالعات نشان می‌دهند که رضایت جنسی ارتباط مثبتی با سلامت عمومی و رضایت از ارتباط زناشویی دارد (Santtila et al, 2007).

تحقیق موحد و عزیزی (2016) نیز یافته‌های پژوهش حاضر را در مورد ارتباط بین رضایت‌مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران تأیید می‌کند. بدان مفهوم که هرچه رضایت‌مندی جنسی زنان افزایش می‌یابد، تعارضات زوجین کاهش پیدا می‌کند و بالعکس. همچنین دوهرتی (1994) و سنچاک و کنت^۵ (1999) نشان دادند گرایش به روابط فرازناشویی، ناشی از تجربه شکست عاطفی و عملکرد جنسی است.

سایر مطالعاتی که در زمینه پیامدهای روابط فرازناشویی انجام شده نیز به یافته‌های مشابه تحقیق حاضر اشاره کرده‌اند از جمله شوکه شدن، کرختی و انکار، خشم و غضب شدید، افسردگی، از دست دادن اعتماد، کاهش اعتمادبه‌نفس فردی و جنسی، از دست دادن قدرت، عزت‌نفس آسیب‌دیده، شرم، ترس از طرد شدن و هجوم آوردن توجیهاتی برای ترک همسر (Hall & Fincham, 2013; Fife, Weeks & Stellberg-Filbert, 2006)، همچنین بشارت (2003). تحقیق پنجه بند و عنایت (2016) نیز همسو با یافته‌های این تحقیق توضیح می‌دهند تفاوت سنی زیاد بین شوهران و زنان موجب عدم عشق و علاقه بوده و جو سرد و بی‌تفاوتی بر روابط زناشویی آن‌ها حاکم است که موجب شده آن‌ها نتوانند از عهده برآوردن نیازهای عاطفی-جنسی همدیگر برآیند. علاوه بر این، فرهنگ شرم و حیای غالب بر اغلب خانواده‌های ایرانی موجب شده تا صحبت از رابطه‌ی جنسی و کیفیت آن

1. Byers
2. Sprecher
3. Stanhope
4. Clisson
5. Senchak & Kenneth

نه تنها در محیط‌های عمومی مانند مدرسه، دانشگاه، صدا و سیما مورد غفلت قرار گیرد، بلکه در خانواده‌ها و حتی بین زن و شوهرها نیز به عنوان یک تابو به حساب آید. در چنین وضعیتی زنان با برقراری رابطه فرازنشویی اعتراض خود را به شیوه پنهان ابراز کرده‌اند. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت، تغییراتی که در دوران مدرن پیش آمد، جامعه ایران را تحت تأثیر قرار داد و منجر به تغییراتی در صورت‌بندی‌های گفتمانی روابط جنسی در ایران شد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، تغییرات دنیای مدرن منجر شده زنان مشارکت‌کننده در این تحقیق نسبت به نیازهای جنسی خودآگاه شوند و تمایلات و خواسته‌های جنسی‌شان را بیش از گذشته بشناسند و یا آن را ابراز کنند و در تلاش برای پاسخ گفتن به این نیازها باشند، اما الگوهای رفتاری آنان بر اساس رفتارهای نابرابر تنظیم شده است و از آنچه به عنوان رابطه‌ای برابر می‌شناسیم فاصله دارد. در واقع هرچند مدرنیته در ایران صورت‌بندی گفتمانی قدیم را به چالش کشیده است، اما هنوز عناصر گفتمان مسلط بر روابط جنسی زنان حاکم است.

از طرفی هرچند، زنان شرکت‌کننده در این تحقیق از طبقه متوسط بوده و تحصیلات و درآمد مناسبی داشته‌اند و تمایل آنان به سمت «رابطه ناب» بوده و فهم‌شان از رابطه جنسی و بدن زنانه‌شان به‌عنوان ابژه‌ای برای لذت بردن است، اما همچنان در رابطه جنسی نقش خدمت‌کننده را دارند و سوژه گفتمانی هستند که این نابرابری را مشروع کرده و تقسیم‌کار جنسی مشخصی را بر ساخت می‌کند. کنش مردان نیز در همین صورت‌بندی گفتمانی معنا شده و آنان نیز نه وارد گفتگوی برابر با همسرانشان می‌شوند و نه تلاشی در جهت برقراری رابطه برابر دارند و بدن زنان را کالایی می‌دانند که برای آن هزینه کرده و حق تصاحب آن را دارند. رابطه جنسی در همین گفتمان به معنای وظیفه زن و اهرمی برای تضمین و کنترل زناشویی معنا شده و تجلی آن این است که زنان سوژه این گفتمان‌ها بدن خود را به‌مثابه ابزاری در تعامل با همسرانشان بدانند. این وضعیت در نهایت موجب سرخوردگی در زنان و ورد به یک رابطه معامله‌گرانه شده است، که در ایران تاریخی طولانی دارد. در مورد جایگزین‌هایی چون روابط فرا زناشویی نیز پیامدهای چون آسیب‌های روحی و جسمی منجر شده زنان همچنان سرخورده بمانند.

درواقع معنای کنش‌های این زنان در سازو کارهای جبران و یا نحوه تعاملات با همسر در سایر وجوه زندگی زناشویی تجلی گفتمانی است که به کنش‌های آنان معنا می‌دهد. به عبارتی رابطه جنسی به‌عنوان یک برساخت اجتماعی در گفتمان‌هایی معنا می‌شود که زنان معنای رابطه خود را در این صورت‌بندی‌های گفتمانی فهم می‌کنند. همان‌طور که یافته‌های

این تحقیق نشان داد، زنانی که به دنبال تجربه لذت‌بخش از بدن خود هستند، معناها و کنش‌های متفاوتی از زنانی دارند که بدن زنانه را به‌مثابه قسمتی از حق مرد از زندگی زناشویی قلمداد می‌کنند؛ بنابراین مشارکت‌کنندگان در این تحقیق روایت‌های متفاوتی ارائه کردند. زنانی که به دنبال تجربه لذت‌بخش از بدن خود بوده و یا به تعبیر باومن «رابطه جنسی ناب» را جستجو می‌کردند سازو کار جبران را در رابطه فرازناشویی می‌یابند و زنانی که رابطه جنسی را در زندگی زناشویی به‌عنوان وظیفه همسری پذیرفته بودند و در گفتمان مسلط و سنتی رابطه‌شان را معنا می‌کردند، هرچند از این رابطه نابرابر آزرده بودند، سازو کارهای جبران‌شان به مصرف کالای لوکس، جبران مالی و رابطه افراطی با دوستان و خانواده محدود می‌شود. هرچند پیامدهای روایت‌های ارائه‌شده متفاوت است، اما آنچه در بین همه این روایت‌ها مشترک است حس افسردگی، سرخوردگی، غم و ناراضی در بین زنان است. نکته قابل‌تأمل در این بین این است که با توجه به افزایش آمار طلاق در ایران و آنچه از یافته‌های این تحقیق به‌دست‌آمده است، به نظر می‌رسد بسیاری از مردان و زنان وارد مدرنیته متأخر شده‌اند و اگر رابطه ناب و برابر را تجربه نکنند از ازدواج خارج می‌شوند، یا همان‌طور که باومن معتقد است در جامعه مصرفی کنونی، رابطه بسیاری از زوجها سیال است و نمی‌توان به پیوند دائمی نظر داشت. به‌عبارت‌دیگر سیالیت رابطه در بین مشارکت‌کنندگان نشان‌دهنده این است که صورت‌بندی گفتمانی که این زنان را به‌مثابه سوژه‌های گفتمانی فرامی‌خواند، با چالشی جدی روبرو است؛ بنابراین از یافته‌های این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت نمی‌توان از ادامه زندگی زناشویی زنانی که در ازدواج باقی ماندند، یا به عبارتی با استناد به آمار کسانی که طلاق نگرفته‌اند، رضایت آنان را از روابطشان فهم کرد. بلکه این وضعیت تأییدکننده گسستی است که در فضای گفتمانی روابط جنسی در ایران شکل گرفته است. درواقع معانی که زنان از رابطه جنسی خود با همسرانشان فهم می‌کنند، تجلی گسست گفتمانی در سکسوالیته در ایران است که مبتنی بر سازوکارهای جنسی جدید است. به‌عبارتی‌دیگر صورت‌بندی‌های گفتمانی سکسوالیته در ایران در حال تغییر است و قابل‌تقلیل به وضعیت قبلی نیست. به نظر می‌رسد برای فهم بهتر این گسست گفتمانی لازم است توجه کنیم که ما در عصر ارتباطات زندگی می‌کنیم که دسترسی آسان و سریع به تصاویر و روابط جنسی در فضاهای مجازی و بازنمایی بدن ایدئال زنانه و مردانه و الگوگیری از نوع رابطه جنسی مطلوب در این سپهر جدید صورت‌بندی‌های جدیدی از سکسوالیته را شکل می‌دهد.

تشکر و سپاسگزاری

نویسندگان نهایت سپاس خود را از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش اعلام می‌دارند. لازم است بیان شود که در پژوهش حاضر ملاحظات اخلاقی رعایت شده است. همچنین رضایت آگاهانه مشارکت‌کنندگان و عدم خروج از چارچوب تعیین شده پژوهش در ارتباط با مشارکت‌کنندگان تضمین شده است.

References

- Amrolahi, R. Roshan Chesly, R. Shairi, M. Nik Azin, A. (2013). *Marital Conflict, Marital Satisfaction, and Sexual Satisfaction: Comparison of Women with Relative Marriage and Women with Non-Relative Marriage*. Biannual Peer Review Journal of Shahed University. 2 (8):11-22, [in Persian].
- Bahreinian, A. Yavari Kermani, M. (2009). *Sexual Satisfaction and Life Satisfaction*. Pscycoterapical novelties: 51-52.
- Bakhshayesh, A, Mortazavi, M. (2009). The *Relationship between Sexual Satisfaction, General Health and Marital Satisfaction in Couples*. Journal of Applied Psychology. Vol. 3, No. 4(12), Winter 2010, 73-85.
- Bakhshi, H. Asadpour, M. Khodadadizadeh, A. (2007). *Correlation between Marital Satisfaction and Depression among Couples in Rafsanjan*. Journal of Qazvin University Medical Science. 11 (2):37-43
- Bancroft. J. (1983). *Human Sexuality and Problems, Edingburgh, Churchil Living Stone*.
- Baucom, D., Gordon, K. & Snyder, D. (2004). *An Integrative Intervention for Promoting Recovery from Extramarital Affairs*. Journal of Marital and Family Therapy, 30(2).
- Besharat, M. A. (2003). *Relation of Attachment Style with Marital Conflict*. Psychology Report, 92 (3pt2).
- Butzer, B., & Campbell, L. (2008). *Adult Attachment, Sexual Satisfaction, and Relationship Satisfaction: A Study of Married Couples*. Personal Relationships, vol. 15.
- Byers, E. S. (2005). *Relationship Satisfaction and Sexual Satisfaction: A Longitudinal Study of Individuals in Long-Term Relationships, J. Sex. Res: Vol 42(2)*.
- Campbell, T. L. (2003). The *Effectiveness of Family Interventions for Physical Disorders*. Journal of Marital and Family, 29(2).
- Carlson, J. Sperry, L. Lewis, J. (1999). *Family Therapy Techniques Integrating and Tailoring Treatment*; translated into Persian by Shokouh navvabi nejad. Tehran: Anjoman-e olia va morabbian publication.
- Clisson C, Melton SC, Roggow L. (2004). The *Effect of Separation on Martial Satisfaction*. depression and self steem, J Soc Serv Res. 24(1).
- Creswell, J. (2007). *Qualitative Inquiry and Research Design: Choosing among Five Approaches, 2nd Ed*; translated into Persian by Danaeefard and Kazemi. Tehran: Saffar publication.
- Dannelly, D. A. (1993). *Sexually Inactive Marriages*. Journal of Sex Research, 30(2).
- Doherty RW, Hatfield E, Thompson K, Choop (1994). *Cultural and Ethnic Influences on Love and Attachment*. Personal Relationships, 1(4).
- Dunn KM, Croft P. (2000). *Satisfaction in the Sex Life of a General Population Sample*. J Sex Mar Therap, 26(2).

- Eslami Nasab Bojnourdim, A. (1997). *Human Sexual Behaviours*. Tehran: Hayyan publication.
- Fife, S.T., Weeks, G.R. & Stellberg-Filbert, J. (2013). *Facilitating Forgiveness in the Treatment of Infidelity: An Interpersonal Model*. Journal of Family Therapy, 35.
- Fife, S.T., Weeks, G.R. & Stellberg-Filbert, J. (2013). *Facilitating Forgiveness in the Treatment of Infidelity: An Interpersonal Model*. Journal of Family Therapy, 35.
- Flick, U. (2012). *An Introduction to Qualitative, Research*; translated into Persian by Hadi Jalili. 3rd edition. Tehran: Ney publication.
- Gadassi, R., Bar-Nahum, L. E., Newhouse, S., Anderson, R., Heiman, J. R., Rafaeli, E., & Janssen, E. (2016). *Perceived Partner Responsiveness Mediates the Association Between Sexual and Marital Satisfaction: A Daily Diary Study in Newlywed Couples*. Archives of Sexual Behavior, 45(1).
- Ghasemi, B. Ranjbar Soudjani, Y. Sharifi. K. (2017). *The Role of Sexual Function and Experience Emotional Breakdown in Tendency toward Relationship Extra-Marital*. Psychology. 1 (18).
- Greenberg J, Brues C., Heffner D. (2002). *Exploring the Dimension of Human Sexuality*. Boston: Janes & Bartlet.
- Habibi Asgarabad, M. Hajiheidari, Z. (2015). *A Qualitative Study for Investigating the Reasons of Sexual Infidelity of Couples Who Have Asked for Divorce in Family Court*. Journal of Family Research. Vol.11(2): 165-186
- Haddadi, S. Ansarinejad, N. Aghajani, T. Khaleghi Esfahin, A. (2016). *The Relationship between Psychosocial and Social Factors with Attitude toward the Disloyalty of Married Women and Men in Tehran*. Journal of Psychological and Educational Sciences. No. 5.
- Hall, J.H. & Fincham, F.D. (2006). *Relationship Dissolution Following Infidelity: the Roles of Attributes and Forgiveness*. Journal of Social and Clinical Psychology, 25(5).
- Hariri, N. (2006). *The Principal and Methods of Qualitative Researches*. Tehran: Islamic azd university publication, [in Persian].
- Honarparparan, N. Et Al. (2010). *The Effectiveness of Emotional Focusing on Couples' Sexual Satisfaction*. Andishe va Raftar. 4 (15).
- Heshmati, MR. (2003). *Hope and Concern in Religion Realm; a Survey of Iranians and Values and Attitudes*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance
- Hulber, D.F, Apt. C, Rabehi, S.M. (1993). *Key Variable to Understanding Female Sexual Satisfaction: An Examination of Women in Non Distressed Marriage*. Journal of Sex and Marital Therapy, 19 (2).
- Impett, E. A., Muise, A., & Peragine, D. (2014). *"Sexuality in the Context of Relationships"*. in D. L. Tolman & L. M. Diamond (Eds.), *APA handbook of sexuality and psychology: Vol. 1. Person-based approaches* (pp. 269–315). Washington, DC: American Psychological Association.

- Isanejad, O. Bagheri, A. (2017). *Phenomenology of Strategies of Justifying Infidelity: Mechanisms to Cope with Cognitive Dissonance of Marital Infidelity*. Journal of Family Counseling & Psychotherapy. Vol. 6, N. 2 (22), 189-207.
- Jahanfar, Sh. Molaeinejad, M. (2002). *Textbook of Sexual Dysfunction*. Tehran: Bizeh publication.
- Janetius, T. (2004). *Marriage and Marital Adjustment*. Available online at: www.homestead.com/Psycho-religion/files/adjustment; last visited 05/27/2019.
- Kajbab, MB. (2005). *Sexual Ethology in Religious Thoughts*. Journal of Women's Strategic Studies. No. 27.
- Kamali, S. Ameri, F. Khosravi, Z. Ramezani, MA. (2018). *Lived Experience of Women of their Husbands' Extramarital Relationships: A Phenomenological Study*. Family Research. Vol.14(1): 95-112
- Keynia, M. (1984). *Criminology Basics*. Tehran: Tehran university publication, [in Persian].
- Khamesh, F. Zahrakar, K. Mohsenzadeh, F. (2015). *The Effect of Practical Application of Intimate Relationship Skills (PAIRS) on Enhancing Sexual Satisfaction and Marital Happiness in Married Wives*. Positive psychology. No. 15.
- Lahiji, L. Zakeri, H. (2018). *Correlation Between Marriage and Marital Satisfaction with the Components of Sexual Self-awareness of Couples*. FPCEJ; 3 (2):61-80
- Lindlof, T. (2009). *Qualitative Communication Research Methods*; translated into Persian by Abdollah Givian. Tehran: Hamshahri.
- Litzinger S, Gordon KC. (2008). *Exploring Relationships among Communication, Sexual Satisfaction, and Marital Satisfaction*. J Sex Marital Therapy; 31.
- Masters, W.H. & Johnson, V.E. (1970). *Human Sexual Inadequacy*. Boston: Little, Brown.
- Mayring, P. (2014). *Qualitative Content Analysis: Theoretical Foundation*. basic procedures and software solution. Klagenfurt.
- McNulty, J. K., Wenner, C. A., & Fisher, T. D. (2016). *Longitudinal Associations among Relationship Satisfaction, Sexual Satisfaction, and Frequency of Sex in Early Marriage*. Archives of Sexual Behavior, 45(1).
- Mohammadpoor, A. (2012). *Method in Method Tehran: Jame'ashenasan Publication*. [in Persian].
- Movahhed, M. Azizi. T. (2011). *A Study on the Relationship between the Sexual Satisfaction of Women in a Married Life and Conflicts between Spouses, among Married Women in Shiraz*. Woman in development and politics. 9 (2).
- Nekoolaltak, M. Keshavarz, Z. Simbar, M. Nazari, A.M., & Baghestani, A.R (2019). *"Sexual Compatibility among Iranian Couples: A Qualitative Study"*. Sexual and Relationship Therapy, 34(1).

- Nichols, M. P. (2005). *Concurrent Discriminant Validity of the Kansas Marital Satisfaction Scale*. Journal of Marriage and the Family, 48(2).
- Nouranipour, R. Basharat. MA, Yousefi, E. (2007). *An Investigation of the Correlation between Sexual Knowledge and Attitude with Marital Satisfaction among Married Couples Inhabiting in Married Students Dormitory at Shahid Beheshti University*. Counseling Research and Development. 6 (24).
- Panjehband, S. Enayat, H. (2016). *The Process of the Formation of Post-Marital Relationship from the Perspective of Men*. Armaghane danesh. 21 (8):830-845
- Parish, WL, (2007). *“Sexual Practices and Sexual Satisfaction”: A Population Based Study of Chines Urban Adults*. Arch Sex Behavior.
- Reeve, JM. (1997). *Motivation and Emotion*; translated into Persian by Yahya Seyedmohammadi. Tehran: virayesh publication.
- Safdarkhani, F. (2008). *The Effect of Pre-Marriage Workshops on Irrational Beliefs About Marriage Master Dissertation of General Psychology*. Yazd University, [in Persian].
- Saki, K. Bahreinian, A. (1999). *Sexual Assessment Disorder in an Iranian Population*. Iranian Journal of Endocrinology & Metabolism. 1 (4).
- Santtila, P., Wager, I. Harlaar, N. Jern, P. Johansson, A. et al. (2007). *Discrepancies between Sexual Desire and Sexual Activity: Gender Differences and Associations with Relationship Satisfaction*. J. Sex. Marital. Ther.: vol 34(1).
- Schneiderman, I., Zagoory-Sharon, O., Leckman, J. F., & Feldman, R. (2012). *Oxytocin During the Initial Stages of Romantic Attachment: Relations to Couples’ Interactive Reciprocity*. Psychoneuroendocrinology, 37, 1277–1285.
- Schoenfeld, E. A., Loving, T. J., Pope, M. T., Huston, T. L., & Štulhofer, A. (2017). *Does Sex Really Matter? Examining the Connections between Spouses’ Nonsexual Behaviors, Sexual Frequency, sexual satisfaction, and marital satisfaction*. Archives of sexual behavior. 46(2).
- Schwartz, P., & Young, L. (2009). *Sexual Satisfaction in Committed Relationships*. Sexuality Research & Social Policy, 6.
- Senchak, M., & Kenneth, E. L. (1999). *Attachment Style and Marital Adjustment among Newly Wed Couples*. Journal of Social and Personal Relationship. 9(1).
- Shahsiah, M. Bahrami, F. Mohebbi, S. (2009). *Relationship between Sexual Satisfaction and Marital Commitment of Couples in Shahreza*. Mental Health principal. 11 (3).
- Shamloo, S. (1992). *Mental Health*. Tehran: Roshd publication, [in Persian].
- Snyder, D. & Doss, B. (2005). *Treating Infidelity: Clinical and Ethical Directions*. Journal of Clinical Psychology /In Session. Journal of clinical psychology. Vol. 61(11).

- Sprecher, S. (2002). *Sexual Satisfaction in Premarital Relationships: Associations with Satisfaction, Love, Commitment, and Stability*. J. Sex. Res.: vol 39(3).
- Stanhope M, Lancaster J. (2002). *Foundations of Community Health Nursing*. 7th ed: St Louis Mosby.
- Tavakol, Z. Mirmolaei, T. Momeni Movahed, Z. (2011). *The Survey of Sexual Function Relationship with Sexual Satisfaction in Referred to Tehran South City Health Centers*. Avicenna J Nurs Midwifery care. 19 (2):50-60
- Tizto, N. (2005). *Study of Knowledge and Educational Needs of Young Couples about Healthy Sex in Guilan Province*. Journal of family and research. no. 3.
- Twenge JM, Campbl KW, Foster CA. (2003). *Parenthood and Marital Satisfaction: A Metaanalytic Review*. J Marriage Fam: 65(3).
- Vandermassen, G. (2004). *Sexual Selection: A Tale of Male and Feminist Denial*. European Journal of Women's Studies. 11(1).
- Whestheimer, R. & Lopater, S. (2002). *Human Sexuality: A Psychology Perspective*. Philadelphia: Lippincott Williams & Whilkins.
- Wimmer, R. Dominick, J. (2010). *Mass Media Research: An Introduction*; translated into persiaan by Kavooos SeyyedEmami. Tehran: Soroush.